



An Analysis of the Problems of Secondary Victimization of Immigrants in the Judicial Process (a Case Study of Afghan, Iraqi, and Lebanese Immigrants)

تحلیلی بر مشکلات بزه‌دیدگی ثانویه مهاجران در فرایند دادرسی (مطالعه موردی مهاجرین افغانی، عراقی و لبنانی)

Amin Hajivand

Doctoral student and guest lecturer of law, Ferdowsi University, Mashhad, Iran (Corresponding Author)

امین حاجی‌وند

دانشجوی دکتری و مدرس مدعو حقوق، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران
am.hajivand@mail.um.ac.ir

Sayed Ehsan Hakimzadeh

Master's student of criminal law and criminology, Ferdowsi University, Mashhad, Iran

سید احسان حکیم‌زاده

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران
hakimzadeh@gmail.com

Amin Alizadeh

Master's student in criminal law and criminology, Islamic Azad University, Tehran Science and Research Unit, Tehran, Iran

امین علی‌زاده

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران
alizadeh@gmail.com

Abstract

Criminological findings acknowledge that if serious attention is paid to the role and position of the victim, it has a significant impact on solving the criminal problem and even in many cases, it will prevent the victim from becoming a second victim. Since victimization is an important discussion in the field of criminology, one of the types of victimization for which the least preventive solution has been provided is the victimization of the second immigrants. The issue of foreigners as an important minority that includes a large population under different names such as: refugees, immigrants, tourists, political agents, etc.; less attention has been paid to the victimization of this second group of society. Since foreigners (immigrants) are among the vulnerable sections of the society for various reasons; It is more likely to be victimized, especially the second victim. The present research has been conducted with the aim of studying and investigating the problems of migrant victims in the criminal proceedings or the secondary victimization of migrants in the criminal proceedings, and it has been tried to explain the effect of the type of behavior of the institutions dealing with the victim and its role in the secondary victimization of migrants. In the current study, with a qualitative descriptive-analytical method (interview and face-to-face observation), the causes of the formation of victims of the second immigrants are issues such as: the immigrants' fear of returning to their country, the lack of police presence in the immigrant areas, the lack of investigation and closure of the cases, long The presence of the trial process, not dealing with the victims of illegal immigrants who were victimized by the police, the existence of a second-degree victimization of the immigrant accounted for the highest percentage. In the end, it has been concluded that, first, a special law for immigrants and foreign nationals should be drafted in order to protect their rights when they are violated, as well as cultural and educational programs for the responsible institutions to raise awareness and make this part of the country responsible. The judicial system should consider the rights of foreigners and immigrants so that the victimization of the second foreigners and immigrants in the criminal process is reduced.

Keywords: Second Victimization, Immigrant, Criminal Proceedings, Fear of Immigrants.

چکیده

یافته‌های جرم‌شناسانه به این مسئله اذعان دارد که اگر توجه جدی به نقش و جایگاه بزه‌دیده صورت بگیرد تأثیر بسزایی در حل و فصل مسئله مجرمانه دارد و حتی در بسیاری از موارد باعث پیشگیری از بزه دیده واقع شدن دومین بزه‌دیدگان خواهد شد. یکی از اقسام بزه‌دیدگی که کمترین راه حل پیشگیرانه برای آن ارائه شده است بزه‌دیدگی ثانویه مهاجرین است. موضوع بیگانگان به عنوان یک اقلیت مهم که جمعیت کثیری را ذیل نام‌های مختلف مانند پناهنده، مهاجر، گردشگر، مأموران سیاسی و... دربرمی‌گیرد؛ موضوع مهم و بحث برانگیزی در کشورهای دنیا است. پژوهش حاضر با هدف مطالعه و بررسی مشکلات بزه‌دیدگان مهاجر در فرایند دادرسی کیفری و یا بزه دیدگی دومین مهاجرین در فرایند دادرسی کیفری انجام شده است و سعی شده تا اثر نوع رفتار نهادهای رسیدگی‌کننده یا بزه‌دیده و نقش آن در بزه‌دیدگی ثانویه مهاجرین تبیین گردد. در پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی از نوع کیفی (مصاحبه و مشاهده حضوری)، علل شکل‌گیری بزه‌دیدگی دومین مهاجرین موضوعاتی از قبیل ترس مهاجرین از عودت به کشورشان، عدم حضور پلیس در مناطق مهاجرنشین، عدم رسیدگی و مخومه نکردن پرونده‌ها، طولانی بودن روند محاکمه، رسیدگی نکردن به بزه‌دیدگان مهاجر غیرقانونی که توسط پلیس بزه‌دیده قرار گرفته‌اند و وجود یک نگرش بزه‌دیده درجه دوم به مهاجر بیشترین درصد را به خود اختصاص داده‌اند. در پایان فرجام سخن آن است که اولاً یک قانون خاص برای مهاجرین و اتباع بیگانه در راستای حمایت از حقوق آن‌ها در زمانی که بزه‌دیده قرار می‌گیرند تدوین گردد و همچنین برنامه‌های فرهنگی و آموزشی برای نهادهای مسئول جهت آگاهی بخشی و مسئول ساختن این بخش از نظام دادرسی به حقوقی که اتباع بیگانه و مهاجرین دارند در نظر گرفته شود تا این که بزه‌دیدگی دومین افراد بیگانه و مهاجر در فرایند کیفری تقلیل پیدا کند.

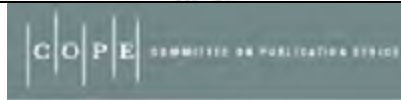
واژگان کلیدی: بزه‌دیدگی دومین، مهاجر، دادرسی کیفری، ترس مهاجرین.

ارجاع:

حاجی وند، امین؛ حکیم زاده، سید احسان؛ علی زاده، امین؛ (۱۴۰۲)، تحلیلی بر مشکلات بزه‌دیدگی ثانویه مهاجران در فرایند دادرسی (مطالعه موردی مهاجرین افغانی، عراقی و لبنانی)، تمدن حقوقی، شماره ۱۵.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



مقدمه

سرمایه اجتماعی بین کشورهای همسایه در اقتصاد بین‌الملل، نقش بسزایی در شاخص‌های اقتصادی کشورها دارد. همین سرمایه و اعتماد اجتماعی موجب تعامل و همکاری ملت‌ها و دولت‌ها در بحران‌های مختلف می‌گردد، پس در این میان، پدیده مهاجرت به عنوان مفهومی غیرقابل انکار است (Boyle & Kitchin, 2017, 55). جامعه بشری از بدو شکل‌گیری خود مدام با پدیده‌هایی روبرو بوده؛ که گذشته از برهم زدن نظم عمومی جامعه و هنجارهای مورد توجه؛ کرامت انسانی^۱، اخلاق و شئون انسانی را نیز مورد هدف قرار داده است؛ از این جهت و در چنین شرایطی، ضرورت بقای جامعه از یک سو و دفاع انسان‌ها از سوی دیگر واکنش‌ها را در برابر پدیده موجود برانگیخته است. کرامت انسانی از موضوعات بسیار مهم حقوق می‌باشد؛ زیرا پایه و زیربنای بسیاری از حقوق، امتیازات و تکالیف انسانی شناخته می‌شود. در اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌های مختلف بین‌المللی (به ویژه منشور بین‌المللی حقوق بشر) به این مهم پرداخته شده است (رحیمی نژاد، ۱۳۸۷، ۲۷).

در برخی موارد به علت برخورد نامناسب کارکنان نظام عدالت کیفری آسیب‌های شدیدتر از واقعه جرمی بر بزه دیده وارد می‌شود. بزه دیده که نظام عدالت کیفری را پناهگاهی برای برقراری عدالت در جامعه می‌داند چنانچه بعد از مراجعه، به هدف موردنظر خود دست نمی‌یابد که هیچ، بلکه به برخورد نظام عدالت کیفری بدبین می‌شود. این امر باعث می‌شود تا دردهای ناشی از بزه‌دیدگی را مشدد کند. این نوع

بزه دیدگی را بزه دیدگی دومین^۲ یا ثانویه می‌گویند (رایجیان، ۱۳۸۴، ۱۴۴). یکی از این گونه‌های بزه دیده دومین، بزه دیدگان بیگانه (مهاجرین) است. شخصی که به واسطه تبعه بیگانه بودن تحت تأثیر عوامل بزه دیده زا قرار گرفته و قربانی بزه می‌شود. اصطلاح بزه دیده بیگانه دارای دو مفهوم مستقل است؛ یکی بزه دیده که همان شخص قربانی جرم می‌باشد و دوم اصطلاح بیگانه است که در اصطلاح حقوقی به آن خارجی یا اجنبی نیز استفاده شده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲، ۱۴). بیگانگان به دلیل خاص بودن شرایط شان، ممکن است مورد تعرض قرار بگیرند به خصوص وقتی که بخواهند شکایت شان را درج سیستم دادرسی کیفری نمایند. ممکن است با یک حرف عقب انداختن شکایت، یا برخورد فیزیکی صورت گیرد که به این گونه مسائل بزه دیدگی دومین مهاجر، اطلاق می‌گردد. این پژوهش به بررسی مشکلات بزه‌دیدگی ثانویه مهاجران در فرایند دادرسی با مطالعه موردی مهاجرین افغانستانی، عراقی، سوری و لبنانی خواهد پرداخت.

در حوزه تجربی و پیشینه تحقیق، تاکنون علت‌های زیادی سبب گردیده که محققان در رابطه به مهاجرت و بزه دیدگی پژوهش‌هایی را به انجام برسانند و هر کدام به نوبه خود در یکی از ابعاد موضوع به شکل محدود تحقیق انجام دهند. ولی متأسفانه آن گونه که باید درباره بزه دیده قرار گرفتن دومین مهاجرین به خصوص در ایران پژوهشی صورت نگرفته و این موضوع مورد غفلت محققان قرار گرفته است. شایان ذکر است که بحث تبیین بزه دیده مهاجر و گونه خاص آن (بزه دیده دومین مهاجر) بحث پژوهش حاضر است. در ذیل آن، مباحث بزه دیدگی دومین مهاجرین در فرایند دادرسی کیفری با استناد بر مصاحبه‌های صورت گرفته ارائه می‌شود. در پژوهش حاضر با استفاده از روش مصاحبه که یکی از طرق مطالعات کیفی می‌باشد، سعی در شناخت ماهیت بزه دیدگی دومین اتباع بیگانه (مهاجرین) و علت‌شناسی آن و نیز شناخت عوامل مؤثر در کاهش این آسیب اجتماعی گردیده است. مهاجرینی که بزه دیده دومین قرار می‌گیرند گونه ویژه‌ای از بزه دیدگان است که از نگاه ساختار خاص فرهنگی و اجتماعی آنان را از سایر بزه دیدگان دومین متمایز می‌سازد. این قشر اغلب بزه دیده جرائم اقتصادی و مالی هستند که به دلیل عدم سازش‌های فرهنگی - اجتماعی به طبع بعد از بزه دیده قرار گرفتن در مرحله اول؛ بازهم در فرایند دادرسی کیفری برای بار دوم بزه دیده قرار می‌گیرند. در این پژوهش با بیست نفر از مهاجرین از منطقه گلشهر، امام رضا (ع)، جواد آباد در تهران و پردیسان در قم مصاحبه شده. سیزده نفر آن مهاجرین افغانی، پنج نفر عراقی، یک نفر سوری، یک نفر لبنانی که همه این‌ها به شکل گلوله برفی انتخاب شده و بیان می‌گردند.

۱- مفهوم بزه دیده دومین یا ثانویه

بزه دیده در زبان فارسی معادل عربی واژه‌های قربانی^۳، مجنی علیه و زیان دیده می‌باشد. این مفهوم، در بحث جرم‌شناسی و کتاب‌های حقوقی، تعریف‌های متفاوتی را داراست. بزه دیده در اصطلاح قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرروزیان می‌گردد.^۴ بزه دیده با خسارتی که متحمل شده، نیاز به این دارد تا از سوی نهاد قضایی مورد لطف قرار گیرد و به ظمی که بر او روا شده است رسیدگی عادلانه صورت گیرد (رایجیان، ۱۳۹۰، ۱۵).

بزه دیدگی اولین اثر مستقیم و بی‌واسطه جرم بر بزه دیده می‌باشد، ولی قربانی شدن دومین یا ثانویه به آثار منفی افزونی، که از رهگذر پاسخگویی افراد مانند خانواده، بستگان و دوستان بزه دیده یا نظام عدالت کیفری (پلیس، دادسرا و دادگاه) به بزه دیده وارد می‌شود گفته می‌شود (رایجیان، ۱۳۸۴، ۲۰۵). حس قربانی شدن ثانویه در مراحل اولیه فرایند نظام عدالت کیفری از نحوه برخورد نامناسب پلیس برمی‌خیزد. بر پایه پیمایش‌های صورت گرفته از طرف نهادهای بین‌المللی، کم‌کاری نظام عدالت کیفری در رفتار با گروه‌های خاص بزه دیدگان به ویژه پلیس به خوبی مستند شده است. برای نمونه پیمایش‌هایی که تا آخر دهه ۱۹۹۰ صورت گرفته بودند بیش از یک سوم بزه دیدگان در کل جمعیت دنیا از شیوه رسیدگی پلیس به شکایت‌شان ناراضی بودند.^۵ بعضی از گونه‌های جرائم است که خود اداره پلیس به آن رسیدگی می‌کند مثل جرائم خانواده‌گی و علت آن هم بی‌اهمیت بودن آن در نزد ادارات پلیس می‌باشد (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴، ۹۹). این گونه برخوردها سبب می‌شود تا فرد بزه دیده خانوادگی، بزه دیده دومین قرار بگیرد.

نقش نظام دادرسی در بزه دیده قرار گرفتن دومین بزه دیده خیلی مهم است. از این جهت لازم می‌بینیم که به تبیین نظام عدالت کیفری بپردازیم. نظام عدالت کیفری به صورت کلی، مفهومی دربردارنده نهادهای پاسخگو در برابر حفظ و پشتیبانی از نظم در جامعه و اجرای عدالت است؛ این نهادها شامل پلیس، مراجع پیگرد، دادسراها و دادگاه‌های کیفری می‌باشد. در کل فرایند دادرسی کیفری شامل پنج مرحله می‌گردد: مرحله کشف، مرحله تحقیق و پیگرد، مرحله صدور حکم، مرحله محکوم شدن متهم و مرحله اجرای حکم؛ مسئله مهم دیگر در این جا مرحله قانونگذاری است (رایجیان اصلی، ۱۳۸۱، ۱۶۲). فرد بزه دیده در تمامی این مراحل ممکن است به علت غفلت مامورین ذیربط بزه دیده دومین قرار گیرد

3- Victim

۴- ماده ۱۰

5- Guide for policy makers on the implementation of the United Nations Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power; (1999), UNODCCP, New York.

حتی در مرحله قانونگذاری، به این معنی که اگر قانونگذار حقوق بزه دیده را به گونه درست بررسی نکند و مطابق با واقعیت‌های جامعه قانون وضع نکند در نتیجه باعث می‌شود تا فرد بزه دیده دومین یا ثانویه قرار بگیرد (رایجیان، ۱۳۸۴، ۱۰۲).

فردی که مورد بزه دیدگی قرار گرفته است کرامت انسانی خودش را از دست داده و کوشش و تلاش می‌کند تا دوباره آرامش، حیثیت و آبروی از دست رفته خویش را به دست بیاورد و در این جا وظیفه اساسی و اصلی نظام عدالت کیفری ایجاد زمینه باور و نگرش کمک‌رسانی و همدلی در تمامی رده‌های شغلی نظام عدالت کیفری می‌باشد. نظام عدالت کیفری موظف است تا احترام و توجه ویژه‌ای به بزه دیده نماید که این خود گونه‌ای از حمایت معنوی به حساب می‌آید. اگر این نهاد از انجام وظایف مربوطه خودشان سرباز زند به شکلی که با بی‌احترامی و رفتار نامناسب کرامت انسانی بزه دیدگان را نادیده بگیرند باعث می‌گردد که فرد بعد از بزه دیده قرار گرفتن در مرحله اول بازهم به دلیل رفتارهای نامناسب نظام عدالت کیفری بزه دیده قرار بگیرد که به این نوع بزه دیدگی بزه دیدگی ثانویه یا دومین می‌گویند.

قربانی شدن دومین افراد به دنبال پیامد مستقیم رفتار مجرمانه صورت نمی‌گیرد بلکه به سبب رفتار و پاسخگویی نامناسب این افراد و نهادها روی می‌دهد (رایجیان، ۱۳۹۰، ۵۳). حال اگر این بزه دیده، علاوه بر ضرری که متحمل شده است، مورد سرزنش مقامات و جامعه قرار بگیرد، نتیجه آن گزارش نکردن بزه دیدگی خواهد بود. این که سخن و بزه دیده گی یک فرد بزه دیده مورد بی‌توجهی و تمسخر از سوی جامعه و مقامات قضایی قرار گیرد حاصل آن عدم گزارش بزه دیده گی می‌باشد (شیری، ۱۳۸۶، ۲۴) و موضوع به این جا ختم نمی‌شود، بزه دیده برای این که اطمینان خاطر پیدا کند و حس درونی خودش که همانا آرامش است را برقرار بدارد به دنبال انتقام حرکت می‌کند، در این حالت باز برمی‌گردیم به دوره انتقام جویی. همه مطالبی که بیان شد به این معنی است که بزه دیده ضمن این که حق خواهی می‌کند در مجازات و برقراری نظم جامعه نیز می‌تواند مؤثر واقع شود. در حقیقت بزه دیدگی دومین یا ثانویه همان بزه دیدگی ناشی از مراجعه به سیستم قضایی است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱، ۴۴۰).

گاهی بزه دیده جرم توسط عکس العمل دیگران مانند خانواده، بستگان خود و به خصوص نظام قضایی از جرم متأثر می‌شود که به این موضوع بزه دیدگی ثانوی یا دومین می‌گویند. قاعده‌مند نبودن، ناکارآمدی، ضعف طرح‌های حمایتی و عملکرد نادرست نظام قضائی منتهی به سردی خاطر بزه دیدگان در نظام اجتماعی شده است. مسئله بزه دیدگی دومین در اثر کارکرد غیرصحیح نظام دادگستری و دادگاه پدیدار می‌شود (رایجیان، ۱۳۸۴، ۲۰۵) به خصوص در رابطه با اشخاص آسیب پذیر به ویژه مهاجرین که

در اقلیت است به وقوع می‌پیوندد. موضوع دیگری که باعث به وقوع پیوستن بزه دیدگی دومین می‌گردد، عدم تمایل بزه دیدگان برای حضور در دادگاه و عدم آگاهی آن‌ها از حقوق شان است (رایجیان، ۱۳۸۴، ۹۸). بزه دیده ثانوی به بزه دیده‌ای گفته می‌شود که نه به منزله نتیجه مستقیم فعل مجرمانه، بلکه از طریق واکنش نهادها به بزه دیدگان روی دهد. گاهی ممکن است نظام عدالت کیفری به انکار کامل حقوق بزه دیدگان متعلق به گروه‌های خاصی از افراد جامعه منجر شود که باعث بروز بزه دیدگی دومین یا ثانوی می‌گردد که شامل رفتار آزاردهنده یا خلاف قانون پلیس یا باقی کارمندان نظام عدالت کیفری می‌باشد، یا ممکن است به شکل نامحسوس کل فرایند کیفری موجب بزه دیدگی دومین گردد (رایجیان، ۱۳۸۴، ۹۸).

پلیس که بخشی از نظام عدالت کیفری می‌باشد بیشتر از سایر بخش‌ها با بزه دیده در تماس و ارتباط می‌باشد (یوسفی مراغه، ۱۳۹۲، ۱۰۷)، به این خاطر قانونگذار ایران در ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ چنین نگاه داشته است: رعایت حقوق شهروندی مقرر در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروند مصورت ۱۳۸۳ از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرایند دادرسی مداخله دارند، در تمامی مراحل دادرسی کیفری الزامی است و متخلفان علاوه بر جبران خسارت وارده به مجازات مقرر در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شوند. در صورتی که امر تعقیب در زمان لازم صورت نگیرد ممکن است بزه دیده برای همیشه از رسیدن به حقش محروم گردد (شیری، ۱۳۸۶، ۵۱) که این مسئله باعث بزه دیده گئی ثانوی بزه دیده می‌گردد. امکان دارد پلیس در زمان انجام وظیفه برخورد غیرمسلمکی و گویی از سوءاستفاده از جایگاه را بر بزه دیده تحمیل کند یا دادستان پرونده بزه دیده را به علت‌های مختلف بررسی نکند و رسیدگی به آن را به تأخیر اندازد یا دادگاه با پرونده به دلیل مهاجر بودن بزه دیده سطحی برخورد کند و یا جانبدارانه تصمیم بگیرد و همچنین ممکن قانون نافذه دارای سیاستی باشد که باعث ایجاد بزه دیدگی دومین گردد. گاهی ممکن است با ترغیب بزه دیده به فراموشی جرم، تأثیر جرم بر بزه دیده را انکار کنند. مخصوصاً در جایی که خود مجرم حکومت است. یکی از گونه‌های دیگری که فرد بزه دیده به واسطه آن ممکن است بزه دیده ثانوی به قرار بگیرد عدم دسترسی به پرونده است، در قوانین و مقررات وضع شده در جمهوری اسلامی ایران به این مهم پرداخته نشده است و این موضوع باعث می‌گردد تا بزه دیدگی دومین برای بزه دیده رخ دهد (شیری، ۱۳۸۶، ۵۱).

آنچه که به طور تجربی در خصوص مهاجرین افغانی در پرونده‌های مختلف با آن برخورد کرده‌ایم این است که مشکل مهاجرین داشتن حقوق مدنی و اجتماعی نیست زیرا بسیاری از مهاجرین این حقوق را بالقوه دارا هستند اما مسئله‌ای که برای آن‌ها مشکل ساز است داشتن حقوق بالفعل و استیفای این حقوق

یعنی چگونگی گرفتن و اجرای آن‌ها است، یعنی به موجب قوانین یک سری حقوق مدنی و اجتماعی برای تمامی مهاجرین وجود دارد اما چگونگی رسیدن به این حقوق و عمدتاً ترس از مطالبه آن‌ها مشکل اساسی و اصلی مهاجرین است، این مشکلات چند دلیل اصلی دارد که به آن‌ها می‌پردازیم.

۲- چالش‌های بزه‌دیدگان مهاجر

۲-۱- ترس مهاجران غیرقانونی از عودت به کشورشان

مهاجرت مسئله‌ای است که در جهان در حال گسترش است به همین سبب بعضی از پژوهشگران سده بیستم میلادی را سده مهاجرت نامگذاری کرده‌اند (گیدنز، ۱۳۸۶). اساسی‌ترین علت مهاجرت یافتن فرصت‌های زندگی بهتر و سازنده‌تر عنوان شده است. همچنین لازم به ذکر است که یکی از موضوعات بسیار مهم در قلمرو حقوق کرامت انسانی است. علت این که کرامت انسانی اهمیت ویژه دارد این است که پایه و اساس حقوق و امتیازات دیگر شناخته می‌شود. همان‌طور که امروزه در این خصوص منشور بین‌المللی حقوق بشر اشاره می‌کند و کرامت انسانی را نه صرفاً به عنوان یک حق غیرقابل سلب بلکه محور و مبنای حقوق بشر تلقی می‌شود (رحیمی نژاد، ۱۳۸۷).

بزه‌دیدگی نیز تحت تأثیر این ویژگی‌ها، شرایط گوناگونی پیدا می‌کند. یکی از نمونه‌های بزه‌دیدگی که تحت تأثیر این ویژگی‌ها قرار می‌گیرد مسئله بزه‌دیده مهاجرین غیرقانونی است. این مهاجرین وقتی در مرحله اول بزه‌دیده‌گی قرار می‌گیرند جرات این که بروند و شکایت خودشان را درج مقامات قضایی کنند ندارند زیرا همین که فرد بخواهد شکایت کند قبل از رسیدگی به شکایت اش به مسئله اسناد اقامت او رسیدگی می‌شود و این مسئله باعث می‌شود تا فرد از حقوق اولیه خود که همانا حفظ جان، مال و ناموس است صرف‌نظر کند. درحقیقت این فرد از حقوق خودش صرف‌نظر نمی‌کند بلکه به خاطر ناامنی مکانی که از طرف نظام عدالت دادرسی برای بزه‌دیده مهاجر ایجاد شده است حقوق اولیه اش را نادیده می‌گیرد و درصورت پایداری شدن این حقوق؛ برای برقراری عدالت و درخواست عدالت کیفری نزد نظام فرایند کیفری مراجعه نمی‌کند، زیرا هراس از این دارد که در صورت مراجعه به درخواست اش رسیدگی که نمی‌شود هیچ‌بلکه باعث می‌شود تا از جمله افرادی قرار بگیرد که خروج اجباری برای شان درنظر گرفته شود. این دسته از مهاجرانی به علت نداشتن مدرک و ورود غیرقانونی، در صورت بروز و ایجاد مشکلات و معضلات حقوقی از پیگیری حقوق خود و رجوع به دادگاه‌های ایران خودداری می‌کنند. درصورتی که اصل بیست و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان می‌کند که «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند». به جهت

استفاده قانونگذار از کلمه اشخاص به طور مطلق این اصل عمومیت داشته و اتباع داخلی و بیگانگان را نیز شامل می‌شود. اگر قانونگذار در کنار اشخاص کلمه ایرانی را هم قید می‌کرد در این صورت اتباع بیگانه از این ماده استثناء قرار می‌گرفت در حالی که اتباع هم شامل این ماده هستند، بنابراین هیچ کس حق ندارد به جان، مال و مسکن این اشخاص تعرض نماید.

مطابق با مصاحبه‌های صورت گرفته با این طیف از اقشار جامعه، تحلیل و تجزیه مصاحبه‌های پژوهش در این زمینه چنین است: مصاحبه شونده شماره اول اهل افغانستان: «برای یک تبعه ایرانی کار می‌کرده است. آن‌ها تقریباً ده نفر بودند که به مدت بیست روز برای کارفرما مشغول به کار بودند. بعد از اتمام کار ناگهان پلیس آمده و با بی‌حرمتی و فحش‌های رکیک همه آن‌ها را به پاسگاه می‌بردند، در پاسگاه کارگران درخواست مزدشان برای کاری که انجام داده بودند را کردند، پلیس در پاسخ چنین گفته است: اطلاع‌دهنده کارفرمای شما بوده و یک مقدار از آن پول را هم به من داده است. حیثیت و عزت کارگران را که لگد مال کردند حتی پول شان را هم نداده و این مجال را هم به آن‌ها نداده که بروند و شکایت شان را درج مقامات قضایی نمایند. در صورتی که این گروه به کشور جمهوری اسلامی ایران از شر جنگ و بدبختی پناه آورده بودند». مطابق با ماده ۱۳ آئین نامه پناهندگان مصوب ۱۳۴۲، این حق به پناهنده داده شده است که در صورت پامال شدن حقوق او، وی می‌تواند به نظام فرایند دادرسی کشور ایران مراجعه نماید و احقاق حق نماید و از نظام کیفری تقاضای عدالت نماید مگر مطابق با یافته‌های این پژوهش مواد این آیین نامه در برخوردهای قضایی با بزه دیده گان مهاجر غیرقانونی در نظر گرفته نمی‌شود و همچنین با برخورد سطحی بزه دیده مهاجر غیرقانونی را از کشور اخراج می‌نمایند. مقامات ذی‌ربط و مسولین پلیس خلاف آنچه که قانون بیان نموده است با پناهندگان و مهاجرین افغان برخورد کردند. این برخوردها باعث می‌شود که مهاجرین غیرقانونی در صورت بروز بزه دیده گی برای وی، به مراجع قضایی جمهوری اسلامی ایران مراجعه نکنند که این مسئله سبب به وجود آمدن بزه دیدگی دومین در این طیف از جامعه می‌گردد.

مصاحبه شونده شماره دوم اهل افغانستان: «شب هنگام سارق به خانه شان وارد شده است. موبایل، کامپیوتر و زیورآلات شان را با خود برده، فردای آن شب که متوجه می‌شوند از ترس این که مبادا بعد از گزارش خودشان را اخراج کنند نتوانستند گزارش سرقت را اعلام نمایند؛ چون چندی قبل همین قضیه برای اقوام شان پیش آمده بود. بدون این که به حق آن‌ها رسیدگی شود و برای شان به عنوان بزه دیده پرونده تشکیل شود او را با خانواده اش اخراج نمودند. این مطلب باعث شد که این خانواده هم نتوانند شکایت کنند. اما این‌ها نتوانستند که در ایران از حقوق خودشان دفاع کنند. اگر به قوانین نافذ جمهوری

اسلامی ایران نظر بیاندازیم به خصوص ماده ۱۳ آیین نامه پناهندگان مصوب ۱۳۴۲ و همچنین اگر به موازین اسلامی نظر بیندازیم در مورد فرد مظلوم یا همان بزه دیده که باید به حقوق شان رسیدگی صورت بگیرد و همچنین عدالت برقرار شود فرقی نمی‌کند که از کدام تبار، قوم، نژاد یا منطقه است مهم این است که در سایه حکومت اسلامی فردی بزه دیده قرار گرفته است. در این باره خطبه‌ای داریم از حضرت مولای متقیان حضرت علی علیه السلام که می‌فرمایند: «شنیده‌ام که در تحت حاکمیت من از پای زن یهودی خلخال بیرون آورده‌اند، اگر مرد مسلمانی از این پس به همین دلیل از روی تأسف و غصه بمیرد سزاوار است و سرزنش نمی‌شود».^۶

مصاحبه شونده شماره سوم اهل افغانستان یکی از افسران پیشین افغانستان که در سال ۱۴۰۰ به ایران پناهنده شده است: «موبایل اش به سرقت می‌رود و برای شکایت به دادسرا مراجعه می‌کند فرد مسئول در دادسرا با چهره خشمگین به وی فحش می‌دهد و می‌گوید: افغانی... هم از امکانات رفاهی کشورمان استفاده می‌کنی و هم می‌خواهی علیه یک ایرانی شکایت درج کنی. او را به اردوگاه انتقال می‌دهند و از آنجا به افغانستان اخراج می‌کنند». مصاحبه شونده شماره چهار اهل افغانستان: «کارگر یک ایرانی بوده است. صاحبکارش به ملیت او توهین می‌کند و او را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهد. به دادسرا مراجعه می‌کند تا شکایت اش را درج نماید، شخص مربوطه در داسرا به وی می‌گوید اسناد هویتی خودت را بیاور تا بعد از تثبیت هویت ات شکایت شما را درج کنم. کارگر افغان از دادسرا بیرون می‌رود و دیگر مراجعه نمی‌کند و دیگر هیچ زمانی نتوانست از حقوق خودش دفاع کند و تقاضای عدالت نماید».

وقوع چنین معضلاتی در نحوه برخورد پلیس به غیر از این که سطح جرائم را نسبت به این طیف و قشر آسیب پذیر جامعه (پناهندگان و مهاجرین) بالا می‌برد، همچنین باعث بزه دیده دومین و ثانویه قرار گرفتن مهاجرین می‌گردد. وقتی مهاجران غیرقانونی درک کنند که شکایات شان برای احقاق حقوق و تأمین عدالت رسیدگی صورت نمی‌گیرد، در صورت بروز بزه دیدگی از مراجعه به ادارات قضایی خود داری می‌کنند و این باعث می‌شود که هم حق آن‌ها تضییع شود و بزه دیده دومین قرار گیرند و هم یک جامعه سیاه تشکیل شود. جامعه سیاه به جامعه‌ای می‌گویند که جرائم گزارش نشده در آن جامعه بالا است و هیچ گونه ارقامی از جرائم آن جامعه در دسترس نیست.

۲-۲- حضور پیدا نکردن به موقع پلیس در مناطق مهاجرنشین در صورت وقوع جرم

پلیس به عنوان یکی از ارگان‌های دولتی مرتبط با مقوله آسیب‌های ناشی از جرم، با شناسایی اشخاص بزه

دیده بر وضعیت و شرایط قبل و بعد از ارتکاب جرم تأثیر بسزایی می‌گذارد و امکان ارتکاب جرم را برای مجرمین محدود می‌سازد و با دخالت در وضعیت صحنه جرم و نجات افراد آسیب دیده در صحنه جرم و کمک به مشکلات و اضطراب‌های آنان در مراحل مختلف فرایند نظام عدالت کیفری، نقش مهمی دارد. پلیس با عبور از شیوه‌های نسخ شده گذشته و با رویکرد نو یا اجتماع‌گرایی و مشارکت مداری می‌تواند در روش‌های حمایتی و خدمت‌رسانی به بزه دیدگان به شکل مستقیم و یا غیرمستقیم کمک نموده و نقش فعال و قابل توجه خود را در تحقق عدالت برای بزه دیدگان انجام دهد و به نوبه خود از قرار گرفتن بزه دیده به عنوان بزه دیده دومین یا ثانویه جلوگیری کند. مصاحبه شونده‌گان در این زمینه چنین بیان نمودند:

مصاحبه شونده شماره پنجم اهل افغانستان: «صبح بیدار می‌شود متوجه می‌شود که نظم خانه برهم ریخته است و پی می‌برد که کسی شب هنگام به خانه ورود کرده است. خوب دقت می‌کند می‌بیند طلاها و یک مقدار پولی که داشته در جایش نیست. همان لحظه با پلیس تماس می‌گیرد. پلیس پشت خط تا صدای وی را می‌شنود که با لهجه افغانی صحبت می‌کند می‌گوید چه می‌گویی؟ فرد افغان در حال توضیح قضیه بوده که در بین حرف هایش یک باره پلیس می‌گوید: بس است فهمیدم، یک افغان باز هم از خانه افغان دیگر دزدیده. با لحن تندی برای بزه دیده مهاجر می‌گوید آدرس را بگو تا بعد ظهر بیایم و از نزدیک بررسی کنیم؛ بزه دیده مهاجر آدرس را می‌گوید و هرچه منتظر می‌ماند بعد از ظهر کسی نمی‌آید. دوباره به اداره پلیس تماس می‌گیرد در جواب می‌گویند زمان اداری تمام شده است فردا می‌آییم. فردا نیز کسی نمی‌آید، حضوری به اداره پلیس می‌رود درخواست را ثبت می‌کند و به وی گفته می‌شود که منتظر باشد تا اطلاع دهند. مجدداً چند بار مراجعه کرده است؛ گفته‌اند که هنوز پرونده تحت بررسی است.» پلیس به عنوان پاسدار و محل آرامش برای جامعه است حال اگر نهاد پلیس به خاطر مهاجر بودن یا پناهنده بودن به بزه دیدگی فردی رسیدگی‌های لازم را ننماید و برخورد تبعیض گونه با او انجام دهد در نتیجه باعث می‌شود تا نظام دادرسی زیرسوال برود. زیرا در نظام دادرسی جمهوری اسلامی ایران که برگرفته شده از نظام عدالت کیفری اسلامی است حق مظلوم را محترم شمرده و در صورت پایمال شدن آن توسط فرد دیگر عدالت را برقرار می‌کند. نظام پلیس که یک بخشی از نظام فرایند دادرسی می‌باشد وظیفه اصلی و اساسی اش این است که بدون تبعیض به شکایات و تظلم افراد رسیدگی نمایند، فردی را که به دلیل مهاجر بودن با او برخورد سلیقه‌ای می‌نمایند این مسئله باعث به وجود آمدن یک نوع بی‌اعتمادی اقلیت‌های مهاجر به نظام دادرسی کیفری می‌گردد.

مصاحبه شونده شماره ششم (سید قاسم یکی از جانبازان فاطمیون در سوریه) اهل افغانستان: «شبی که

در خانه اش نبوده خانه اش مورد سرقت قرار می‌گیرد. فردا که خانه می‌رود همان لحظه با پلیس تماس می‌گیرد. پلیس می‌گوید آدرس دقیق شما کجاست؟ می‌گوید گلشهر، شفیعی سی و چهار. پلیس تا نام شفیعی را می‌شنود با حالتی عصبانی می‌گوید حضوری به پلیس مراجعه کند. به وی گفته‌اند هر چه جنایت هست از افغان‌ها است. فرد بزه دیده مهاجر دیگر دنبال این مسئله را نگرفته چون فکر نموده وقتی کلاتری که صلاحیت اش خیلی کم است این گونه برخورد می‌کند دیگر مقامات دادسرا و دادگاه چگونه باشد به همین خاطر از دنبال کردن شکایت منصرف شده است.» مصاحبه شونده شماره هفت اهل افغانستان: «موتورسیکلت وی در خانه اش به سرقت می‌رود، با پلیس تماس می‌گیرد با لهجه افغانی موضوع را بیان می‌کند. در جواب پلیس می‌گوید از مال خودت درست نگهداری کن و کسی را مقصر نکنید. حضوری درج شکایت می‌کند اما برای یک مرتبه محلی که در آن جرم اتفاق افتاده بود را پلیس بررسی نمی‌کند و تاکنون به جوابی نرسیده است.»

یکی از وظایف پلیس در صورت وقوع جرم بررسی منطقه وقوع جرم است تا سرنخ‌های لازم برای پیدا کردن مرتکب را به دست بیاورند. وقتی که پلیس حتی برای بررسی منطقه جرم نمی‌رود و فرد بزه دیده مهاجر با یک برخورد سطحی و غیرمسئولانه روبرو می‌شود نتیجه این می‌شود که اعتماد به نظام فرایند کیفری را از دست دهند و برای درج شکایت شان دیگر به دادسرا مراجعه نکنند.

۲-۳- مراجعه به دادسرا و عدم رسیدگی جدی و مختومه نکردن پرونده‌ها

دادسرا نهادی است که در کنار دادگاه انجام وظیفه می‌کند و وظیفه کشف جرم، تعقیب متهم، انجام تحقیقات مقدماتی، حفظ حقوق عمومی و اقامه دعوی لازم، اجرای احکام کیفری را برعهده دارد. کشف جرم، وظیفه ضابطان دادگستری و نیروی انتظامی است اما مسئولیت اصلی کشف جرائم وظیفه دادرهای حوزه‌ها است که ضابطان دادگستری تحت نظارت دادستان به کشف جرائم می‌پردازند. تعقیب متهم در جرائم غیرقابل گذشت از وظایف دادسرا می‌باشد یعنی اگر شاکی شکایت درج کند وظیفه دادسرا است که به شکایت آن بزه دیده رسیدگی کند و اگر در موردی هم شکایت درج نکند بازهم دادسرا ملزم به پیگیری آن جرم است. مصاحبه‌های صورت گرفته چنین اذعان می‌دارند:

مصاحبه شونده شماره اول اهل عراق: «در جلسه حضوری که برای درج شکایت به دادسرا رفته است برخورد دادیار خیلی محترمانه بوده است. به بزه دیده می‌گوید شما بروید و ما بعد از پیگیری و پیدا کردن مجرم با شما تماس می‌گیریم. بعد از آن دوباره مراجعه کرده ولی جوابی به وی نداده‌اند. این قضیه دو سال طول کشید و در آخر به بزه دیده گفته‌اند که مجرم را شناسایی کرده‌اند و او در آبادان است. نامه

فرستاده‌اند تا دادسرای آبادان رسیدگی کند. تا امروز سه سال می‌گذرد ولی تا هنوز پرونده به نتیجه نرسیده است.» مصاحبه شونده شماره دوم اهل عراق: «برای دریافت ویزای آلمان پاسپورت را به شرکت سیاحتی تسلیم نموده بعداً فهمیده که آن فرد جاعل بوده است، به دادسرا مراجعه می‌کند. دادسرا پرونده را ثبت می‌کند و دادسرا بر بزه دیده فشار می‌آورد که باید ثابت کند که پاسپورت اش را به این فرد داده است. بزه دیده تمام روایت را در شکایتی دیگر درج و به آن‌ها می‌سپارد، اما پرونده حدود یک سال به طول می‌انجامد و هیچ نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود. به دادسرا که مراجعه می‌کند می‌گویند پرونده تحت بررسی است.» مصاحبه شونده شماره سوم اهل عراق: «موبایل اش به سرقت می‌رود. به دادسرا مراجعه می‌کند. دادسرا می‌گوید که باید شکواییه سیستمی را انجام دهد و آن هم با هزینه بالا. بزه دیده شکواییه را ثبت سیستمی می‌کند. بعد هر چند وقت مراجعه می‌کند ولی هیچ نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود تا این که یک سال و اندی می‌گذرد و بزه دیده منصرف می‌شود. علتی که رسیدگی به پرونده صورت نگرفت این بود که اولاً تبعه کشور دیگر بوده و دادسرا بیشتر توجه اش به جرائمی است که بزه دیده آن تبعه ایران باشد و ثانیاً متهم پرونده یک ایرانی بوده است.»

برای رسیدگی به پرونده‌های جنایی برای دادسرا قانونگذار زمان مشخصی را تعیین نموده است که باید در آن زمان پرونده مختومه گردد و به دادگاه جهت صدور حکم فرستاده شود و دادگاه هم باید در طول مدت زمان معین رای خود را نسبت به پرونده صادر کند. حال اگر به علل مختلف رسیدگی مختل شود دادسرا و دادگاه نتوانند در مدت معین به پرونده رسیدگی نمایند باید دلایل قانع‌کننده به صورت کتبی در پرونده درج نمایند و بزه دیده را هم در جریان بگذارند. اما این که بزه دیده‌ای به علت مهاجر بودن پرونده اش به طول می‌انجامد و در مدت زمان مقرر شده توسط قانونگذار بدون وجود دلیل موجه رسیدگی صورت نمی‌گیرد دلالت بر وجود برخورد دوگانه است که گروهی از قشر جامعه به علت بیگانه بودن و خارجی بودن از حقوق اولیه شان محروم می‌گردند که این باعث به وجود آمدن بزه دیدگی دومین یا ثانویه می‌گردد.

۲-۴- عدم رسیدگی به بزه دیدگان مهاجر غیرقانونی که توسط پلیس بزه دیده شده‌اند

گاه‌ها خود پلیس به عنوان متهم پرونده به دلایل مختلف از جمله بدرفتاری، سوءاستفاده از صلاحیت و وظیفه، تحت فشار روحی قرار دادن و... قرار می‌گیرد. این گونه جرائم در سطح دنیا معمول است، زیرا در هر گروهی افرادی پیدا می‌شود که از مقررات و قوانین نافذ بر آن‌ها عدول می‌کنند. اما مسئله‌ای که حائز اهمیت است این است که افعال خلاف مقررات پلیس در تمامی کشورها جرم‌انگاری شده است زیرا هر

رفتار ضد مقررات پلیس حرمت، شخصیت و انسانیت افراد را نشانه می‌گیرد. در جمهوری اسلامی ایران هم اعمال ضد مقررات پلیس جرم انگاری گردیده است. هرگاه عملی در ضدیت با ماده ۳ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران از طرف نیروی انتظامی صورت گیرد جرم محسوب می‌شود و برای آن مجازات در نظر گرفته شده است. اما مهاجرین غیرقانونی که مدارک لازم را جهت اقامت در ایران ندارند از این امر مستثناء هستند و هر فعلی که نیروی انتظامی بر این طبقه آسیب پذیر جامعه روا دارد مورد بازپرسی قرار نمی‌گیرد و همچنین صدای عدالت آن‌ها شنیده نمی‌شود. مصاحبه‌های صورت گرفته گواه همین مطلب است که در زیر بیان شده است.

مصاحبه شونده شماره هشتم اهل افغانستان: «توسط نیروی انتظامی بازداشت می‌گردد و به اردوگاه منتقل می‌گردد. در اردوگاه به انجام کارهای شاقه مجبور می‌کنند. مهاجر سرپیچی می‌کند و می‌گوید درست است که ما غیرقانونی هستیم ولی مجبور ساختن ما به انجام این کارها خلاف قوانین است. سه نفر از افراد اردوگاه او را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند که دندان هایش دچار آسیب می‌گردد. با همان وضع آسیب دیده او را اخراج کردند». مصاحبه شونده شماره نهم اهل افغانستان: «کارگر کارخانه دمپایی بوده، در محل کار او را بازداشت می‌کنند. داخل ماشین نیروی انتظامی را مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرد و بعد او را به شکل بسیار فجیع داخل اردوگاه می‌کنند و بعد وی را اخراج می‌کنند». مصاحبه شونده شماره دهم اهل افغانستان: «در اردوگاه نیروی انتظامی آن‌ها را مجبور می‌کردند تا به خودشان را فحش‌های رکیک دهند، تعدادی سرپیچی کردند آن‌ها را مورد ضرب و شتم قرار می‌دادند». مصاحبه شونده شماره یازدهم اهل افغانستان: «مهاجر با یک تبعه ایرانی تصادف می‌کند بعد که پلیس می‌گوید اسناد خودرو و مدارک بدهید هیچ مهاجری در ایران نمی‌تواند ماشین به نامش باشد به او می‌گویند افغانی چه کسی به تو اجازه داده خودرو داشته باشی با سلی به صورتش می‌زند و او را می‌برد به کلاتری. بدون درج پرونده و با این که مدارک اقامتی داشته او را به اردوگاه می‌فرستند و در آخر وی را اخراج می‌کنند».

۲-۵- بزه دیده مهاجر به عنوان یک بزه دیده درجه دوم در نظر گرفته می‌شود

از موضوعاتی که زمینه را برای بزه دیدگی دومین مهاجران در کشور بیگانه فراهم می‌سازد بحث نابرابری است. بدون شک فرایند همانند گردی^۷ مهاجران با اجتماع میزبان، با گونه‌های زیادی از مشکلات و گاه بحران روبرو می‌شود. به وقوع پیوستن عملی این مرحله متأثر از شرایط سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور میزبان است. در طی همین مراحل است که شخص بیگانه با نابرابری روبرو می‌شود. «ارشاد

و صدف، ۱۳۸۹). مهاجرین در مصاحبه شان چنین روایت می کنند:

مصاحبه شونده شماره اول اهل لبنان: «بزه دیده جهت درج شکایت به دادسرا می رود. دادسرا شلوغ بوده بزه دیده خارجی خودش را به دادیار می رساند به محض صحبت از لحن عربی اش می فهمد که ایرانی نیست. دادیار به وی می گوید برو منتظر باش نوبت ابتدا برای ایرانی ها است بعد اگر وقتی بود شکایت شما را هم درج می کنم. آخر وقت بود که نوبت به بزه دیده مهاجر می رسد دادیار به وی می گوید: برو فردا مراجعه کنید». مصاحبه شونده شماره چهارم عراقی: «به نام فرد مهاجر هیچ وسیله نقلیه ای ثبت نمی شود. برای درج شکایت سرقت خودرو به دادسرا می رود. دادیار به وی می گوید خودرو که به اسم شما نیست بروید تا صاحب اصلی بیاید. بزه دیده مهاجر از کسی که ماشین به نامش بوده درخواست می کند بیاید تا شکواییه را ثبت کند، وی از بزه دیده مهاجر درخواست سه میلیون تومان می کند. بزه دیده مهاجر تا می خواسته توضیحی در رابطه با سرقت خودرو به دادیار بدهد وی سوال می کند که مگر شما صاحب خودرو هستید؟ بزه دیده مهاجر می گوید خودرو مال او است ولی از لحاظ اسناد رسمی به نام آقای ایرانی است. دادیار می گوید از جلسه خارج شوید». مصاحبه شونده شماره دوازدهم افغانستانی: «موبایل وی در سیستم ردیابی شد و بعد از پیدا شدن موبایل، در دادگاه پیش روی قاضی خانواده متهم که ایرانی بودند به صاحب موبایل (بزه دیده) فحش های خیلی بدی می دهند. بزه دیده به قاضی می گوید که او برای شنیدن ناسزا نیامده است. لطفاً به پرونده رسیدگی نمائید. قاضی می گوید بهتر است رضایت بدهی و گرنه برایت دردسر می شود».

نتیجه

پیشبرد و ادامه زندگی فردی و اجتماعی انسانها بستگی به محیط سالم دارد. این موضوع هم قابل انکار نیست که هر انسانی در طول دوران زندگی خود در معرض آسیب های جسمی، روحی و روانی قرار می گیرد که به حقوق، آزادی و امنیت اش خلل وارد می شود؛ از این نظر تمامی افراد به عنوان بزه دیده بالقوه در نظر گرفته می شوند که ممکن است این موارد بالقوه در مواردی به بالفعل تغییر یابد. در مورد مهاجرین این احتمال وجود دارد که به دلیل بیگانه بودن و در اقلیت بودن بیشتر در معرض جرائم گوناگون قرار بگیرند. با وجود آن که از طرف سازمان های بین المللی و قوانین داخلی کشورها حقوقی برای بزه دیدگان مهاجر در نظر گرفته شده است، مهاجرین بیشتر از سایر افراد جامعه مورد بزه دیدگی قرار می گیرند.

اساسی ترین مشکلی که عموماً برای مهاجران بعد از بزه دیدگی رخ می دهد برخورد غیرمسئولانه

مسئولین فرایند نظام دادرسی کیفری است. در این حالت است که مهاجرین از مصونیت‌هایی که توسط سازمان‌های بین‌المللی و قوانین داخلی برای شان در نظر گرفته شده محروم می‌گردند و به عنوان مهاجر بزه دیده دومین قرار می‌گیرند. در نتیجه چنین باید گفت که قوانینی در زمینه حقوق مهاجرین در صورت بزه دیده قرار گرفتن در ایران وجود دارد ولی از طرف نظام فرایند دادرسی اکثراً مورد توجه قرار نمی‌گیرد. اولاً یک قانون خاص برای مهاجرین و اتباع بیگانه در راستای حمایت از حقوق آن‌ها در زمانی که بزه دیده قرار می‌گیرند تدوین گردد و همچنین برنامه‌های فرهنگی و آموزشی برای نهادهای مسئول جهت آگاهی بخشی و مسئول ساختن این بخش از نظام دادرسی به حقوقی که اتباع بیگانه و مهاجرین دارند در نظر گرفته شود تا این که بزه‌دیدگی دومین افراد بیگانه و مهاجر در فرایند کیفری تقلیل پیدا کند.

پیشنهادها

تصویب قوانینی برای تنظیم رفتار مسولین در فرایند دادرسی؛ پرداختن به جزئیات قوانین برای حفظ حقوق و آرامش مهاجرین بیگانه؛ زمینه سازی فرهنگی و آگاهی دهی به گروه‌هایی که با مهاجرین در صورت بزه دیده قرار گرفتن شان ارتباط برقرار می‌کنند.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

- نهج البلاغه

فارسی

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۹۲، **ترمینولوژی حقوق**، تهران، انتشارات گنج دانش.
- رایجیان اصلی، مهرداد، ۱۳۸۱، **بزه دیده در فرایند کیفری**، چاپ اول، تهران، انتشارات خط سوم.
- رایجیان اصلی، مهرداد، ۱۳۸۴، **بزه دیده‌شناسی حمایتی**، چاپ اول، تهران، انتشارات دادگستر.
- رایجیان اصلی، مهرداد، ۱۳۸۵، تحول حقوق جهانی بزه دیدگان بر پایه اصل همترازی حقوق بزه دیده و متهم در بستر دادرسی عادلانه، **مجله حقوق دادگستری**، شماره ۵۷.
- رایجیان اصلی، مهرداد، ۱۳۹۰، **بزه دیده‌شناسی حمایتی**، چاپ دوم، تهران، انتشارات دادگستر.

- رحیمی نژاد، اسماعیل، ۱۳۸۷، **کرامت انسانی در حقوق کیفری**، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- شیر، عباس، ۱۳۸۶، فرایند عدالت ترمیمی، **فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم**، شماره ۱.
- گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۶، **جامعه‌شناسی**، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، انتشارات نی.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۹۱، **تقریرات جامعه‌شناسی جنایی**، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.
- یوسفی مراغه، مهدی، ۱۳۹۲، بررسی تطبیقی خدمات‌رسانی به بزه دیدگان تروریسم و جنگ (با رویکردی به نظام حقوقی ایران و اسناد بین‌المللی)، **فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس**، شماره ۱۳.

لاتین

- Guide for policy makers on the implementation of the United Nations Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power; 1999, UNODCCP, New York.
- M. Boyle and R. Kitchin, 2017, *Diaspora-Centred Development: Current Practice, Critical Commentaries, and Research Priorities*, Department of Geography/National Institute for Regional and Spatial Analyses, National University of Ireland Maynooth, Kildare, Ireland.

